

ها و فرصت‌ها

در این زمینه بوده‌ایم.

او در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر این که با توجه به دیدگاه بعضی از جامعه‌شناسان که پایتخت را امروز، شهری پرتنش و استرس‌زا می‌دانند که در بین انواع بیلبوردها و بنرهای مختلف محاصره شده و در عین حال، میلان شهری و گرافیک بصری مطلوبی هم در این زمینه به چشم نمی‌خورد، طراحان گرافیک چقدر می‌توانند در زیبا کردن چشم‌انداز شهری ما از این منظر نقش داشته باشند گفت: فراموش نکنیم که این طراحان گرافیک نیستند که باید مجال را برای فعالیت خود در شهر فراهم کنند، بلکه سفارش‌گیرنده‌ها هستند که باید پروژه‌های هدفمندی را در ارتباط با چیدمان شهری به هنرمندان سفارش دهند. آنچه درباره تهران امروز اشاره می‌کنید

سیمای شهری انجام داد افزود: در سال‌های قبل، استاد ابراهیم حقیقی باموضوع «ریخت‌شناسی شهر تهران» و نمایش اسلاید به سخنرانی جامع و کاملی در خانه هنرمندان ایران پرداخت، اما متأسفانه این پروژه در قالب گفت‌وگویی بین علاقه‌مندان باقی ماند و هیچ‌گاه تبدیل به دستورالعمل شهری نشد. در حالی که ما به قوانین پایدار شهری برای بهبود سیمای شهری نیاز داریم. امروز تهران؛ شهری لجام‌گسیخته است که بساز بفروش‌ها، فروشگاه‌ها و صاحبان مشاغل آن را مدیریت می‌کنند و این مسئله هراس‌انگیز است. انجمن این آمادگی و مهارت را دارد تا به عنوان سیستم مشاور در کنار شهرداری‌ها بایستد و در بهبود سیمای شهر قدم بردارد.

کلهرنیا تصریح کرد: هیات مدیره انجمن گرافیک مکلف است تا پروژه‌های دراز مدت کاری خود را به سرانجام برساند. کما این که دوستان هیات مدیره تا امروز با فداکاری، فرصت‌های شغلی و شخصی خود را کنار گذاشته و ایثارگرانه به تحقق بخشی طرح و برنامه‌های انجمن پرداخته‌اند. همین الان که با شما گفت‌وگو می‌کنم، اعضای هیات مدیره انجمن در تدارک نمایشگاه «هفته گرافیک» هستند. بنابراین انجمن همواره به رصد کردن فرصت‌ها می‌پردازد و پیشنهادات خوبی که باعث معرفی بیشتر گرافیک به جامعه می‌شود را مورد بررسی قرار خواهد داد. کما این که درباره بینال گرافیک نیز مشغول ارزیابی هستیم و اگر شرایطی فراهم شود آن را برگزار می‌کنیم. ضمن این که انجمن وظیفه دارد تا به هم‌اندیشی با انجمن‌های دیگر هم بپردازد و به عنوان یکی از اعضای جامعه بزرگ فرهنگی و هنری کشور در راستای بهبود اتمسفر فرهنگی و شهری جامعه وظایف خود را انجام دهد و در توسعه فضای شهری موثر باشد.

فرزاد ادیبی:

کار به کاردان سپرده نشده است



فرزاد ادیبی دیگر هنرمند گرافیکست صاحب‌نام است که در پاسخ به این سوال که گرافیک در حال حاضر چه جایگاهی در جامعه دارد

گفت: اوضاع اقتصادی امروز، وضع مطلوبی را برای طراحان گرافیک رقم زده است. گرافیک از گذشته تا امروز همواره در ارتباط مستقیم با فرهنگ و اقتصاد داشته است و امروز تورم و مشکلات اقتصادی بر روی این حوزه تأثیرات زیادی گذاشته است. به طوری که در سال‌های اخیر، کتاب کمتر چاپ شده یا اگر هم شده، قیمت آن به نسبت سال‌های گذشته افزایش داشته است. در نتیجه، ناشران برای کم کردن هزینه‌های چاپ و نشر، ترجیح می‌دهند از گرافیک تجاری بیشتر استفاده کنند.

ادیبی ادامه داد: بسیاری از مردم منشاء حرکت‌های فرهنگی هنری در جامعه را نمی‌دانند، مثل این می‌ماند که همه فقط درخت را می‌بینند و کسی درباره ریشه اطلاعاتی ندارد، در حالی که ای بسا ریشه، به مراتب قطورتر از خود تنه درخت بوده است. محصولات گرافیکی هم همین طور هستند و امروز بیشتر از آنکه جنبه‌های هنری‌شان نزد مردم شناخته شود شکل مصرفی به خود گرفته‌اند. به عنوان مثال، شاید خیلی از مردم ندانند که کتاب‌ها حاصل خدمات کدام طراح گرافیک است یا بسیاری از تولیدکنندگان کتاب‌ها، مجلات و مطبوعات از این نکته غافلند که گرافیک چقدر در این حیطه‌ها نقش داشته است. این است که برگزاری روز «جهانی گرافیک» که هر سال به همت انجمن برگزار می‌شود، این نکته را یادآوری می‌کند که گرافیک چقدر در زندگی روزمره اجتماعی

نقش دارد. این هنرمند گرافیکست و مدرس دانشگاه اظهار داشت: زمانی می‌توانیم تأثیرات گرافیک را در جامعه ببینیم که کار به کاردان سپرده شود که متأسفانه در این سال‌ها کمتر شاهد این مسئله بوده‌ایم. بخشی از این مسئله هم یا به ناآگاهی برمی‌گردد یا این که بعضی از مدیران فرهنگی به دلیل کمبود بودجه، ترجیح می‌دهند به جای بهره‌گیری از یک طراح گرافیک زبده، از یک دانشجوی رشته گرافیک که شاید تجربه چندانی در این زمینه نداشته باشد و حق‌الزحمه زیادی هم طلب نمی‌کند استفاده کنند و کار را به او بسپارند. به همین علت است که جایگاه گرافیک آن طور که باید در جامعه مشهود نیست. نمونه گرافیک نازل هم در فرم‌هایی که در بانک‌ها پر می‌کنیم، اپلیکیشن‌هایی که از طریق مراکز، نهادها و موسسات مالی ارسال می‌شود و ما مخاطبشان قرار می‌گیریم به خوبی قابل مشاهده است. در بخش تجاری هم درصد بسیاری از محصولات گرافیکی تولید شده، حاصل زیرپله‌های خیابان ظهیرالاسلام است که به دست طراحان تجربی شکل می‌گیرند. در حالی که فارغ‌التحصیلان این رشته بیکارند! همه این مسائل باعث می‌شود تا شرایط برای ارتقاء گرافیک در سطح شهر و جامعه مهیا نباشد و به همان نسبت سطح سواد بصری جامعه دستخوش تغییر نشود.

این هنرمند باسابقه در پاسخ به این سوال که نسل امروز چقدر توانسته ادامه دهنده حرکت‌های نوجویانه زنده‌یاد مرتضی ممیز که از او به عنوان پدر گرافیک ایران نام برده می‌شود، باشد اذعان داشت: شکی نیست که استاد ممیز و هنرمندان همدوره او تأثیرات به‌سزایی بر گرافیک نوین ایران گذاشته‌اند. ولی آنچنان که باید نسل‌های پس از او این مسیر را درست ادامه ندادند یا شاید بهتر بگویم، بستر مناسبی از این جهت فراهم نشده است. اگر چه ناگفته نماند که تحولات بسیاری بعد از استاد ممیز و به‌طور کلی؛ نسل دوم گرافیک که او هم متعلق به آن نسل بود رخ داده است و امروز تحولات زیادی را در حیطه فناوری و گرافیک در انواع چاپ‌ها، عرضه محصولات فرهنگی به کمک اپلیکیشن‌ها، گوشی‌های همراه و پیام‌رسان‌های تصویری به وجود آورده است. او اضافه کرد: گرافیک شاخه‌های بسیاری دارد، ولی امروز بسیاری از این شاخه‌ها به دلیل مختلف در سایه قرار گرفته‌اند. نمونه آن پوستر است که با گذشت زمان، کمتر شاهد تولید آن هستیم. در واقع، اگر قبلاً پوستر به مثابه یک اعلان برای اطلاع‌رسانی در خیابان‌ها نصب می‌شد، امروز پوستر از روی دیوارها به داخل گوشی‌های همراه کوچ کرده است. به همین خاطر، به لحاظ کمی و کیفی شاهد تغییراتی در این زمینه هستیم. همان‌طور که پوستر این مسیر را طی کرده، مسیر فعالیت مطبوعات هم متفاوت شده است، به عنوان مثال، امروز مطبوعات دیگر کمتر به شکل کاغذی منتشر می‌شوند و اکثراً به سمت چاپ الکترونیکی رفته‌اند. درباره کتاب هم همین‌طور است، اگر قبلاً کتاب‌ها شکل فیزیکی داشتند امروز به صورت شنیداری و الکترونیکی درآمده‌اند. به جز این مثال‌ها، خیلی از موارد دیگر متناسب با رشد تکنولوژی و حرکت جوامع دچار تحول شده‌اند. کما این که قبلاً مخاطب محصول را می‌دید و آن را خریداری می‌کرد، امروز مخاطب می‌تواند با یک جستجوی ساده در تلفن همراه خود، محصول را سفارش دهد و با ارائه کد مورنظر، محصول خود را در منزل دریافت کند. ادیبی در پایان به گسستی که در حال حاضر بین هنرهای مختلف ایجاد شده اشاره کرد و گفت: چند روز پیش وقتی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران با یکی از استادان پیشکسوت صحبت می‌کردم به این نکته اشاره داشت که در سال‌های گذشته، درهای دانشکده‌های هنری و آتلیه‌ها به شکل شبانه‌روزی باز بود و دانشجویان رشته‌های مختلف می‌توانستند با یکدیگر تعامل داشته باشند، از یکدیگر بیاموزند و سلاقی خود را ارتقاء دهند. به طوری که مثلاً موسیقیدان دهه پنجاه و حتی اوایل انقلاب، علاوه بر آن که در رشته خود متخصص بود نسبت به هنرهای دیگری چون تئاتر، تجسمی و... هم تاحدودی اشراف داشت. می‌خواهم بگویم، در گذشته، تعامل هنرها با یکدیگر منجر به مسیرهای ارتباطی برای هنرمندان می‌شد و این مسیرها شاهراه‌هایی را برای هنرمندان به‌وجود می‌آوردند و به گسترده‌گی افق و دیدگاه آنها منجر می‌شدند. اما امروز هنرمندان هر شاخه در جزایر تنهایی خودشان هستند و از هنرهای دیگر غافلند. در واقع، هنرمندی فکری کند که باید در حیطه تخصص خود سرآمد باشد، در حالی که خیلی از هنرها امروز بینارشته‌ای شده‌اند و باید پلی باشند بین رشته خودشان و هنرهای دیگر. اما عملاً این اتفاق که نیفتاده هیچ، به دوری هنرها از یکدیگر هم انجامیده است. فکری که کنم بخشی از ریشه این مسئله را باید در شرایط اقتصادی و اجتماعی زمانه‌مان جستجو کنیم. البته این کار در تخصص من نیست و طبعاً باید جامعه‌شناسان به آسیب‌شناسی جدی درباره این گسست‌های فرهنگی بپردازند.



کاملاً درست است. چون ما با شهری مهاجم، پرتراژیک و پرتنش مواجه هستیم که افراد در زندگی روزمره باید انرژی زیادی را صرف رفت‌وآمد در این شهر کنند و این امر منجر به فرسودگی آنها می‌شود. باید ببینیم که تهران شهری است بیماری‌ساز. در این ارتباط مدیران شهری با طرح و برنامه‌های جامع و بهره‌گیری از دیدگاه طراحان گرافیک می‌توانند در این زمینه تأثیرگذار باشند. البته ما در دوره‌هایی شاهد بودیم که پروژه‌های مختلف برای عوض شدن اتمسفر شهری از سوی مدیران فرهنگی به مرحله عمل درآمد. به خصوص سازمان زیباسازی شهرداری تهران که در این زمینه قدم‌های تحسین‌برانگیزی برداشت. نمونه آن طرح موزه شهری و پروژه پیشواز بهار بود که خیلی خوب پیش می‌رفت، اما به تدریج کم‌قدرت شد. به هر روی، پروژه شهری جامع در این زمینه به آن شکلی که باید شکل گرفته یا اگر شکل گرفته تداوم نداشته است. این هنرمند درباره این که چه راه‌کارهایی باید در ارتباط با بهبود